



مقاضی حملات بیشتر به غزه

وزیر تندر و امنیت داخلی رژیم صهیونیستی، در اظهاراتی جنجالی خواستار حمله به انبارهای مواد غذایی و تأسیسات برق در نوار غزه شد. ایتمار بن گویر، وزیر امنیت داخلی اسرائیل با اشاره به ادامه حملات به نوار غزه، خواستار هدف قرار دادن انبارهای مواد غذایی و مولدهای برق در این منطقه شد. وی در این خصوص اعلام کرد: «حماس در حفظ گروگان‌ها (آسرای صهیونیست در غزه) منفعند دارد و برای بازگرداندن آن‌ها به اسرائیل، باید غزه را به‌طور کامل تحت کنترل خود درآوریم.» بن گویر همچنین از اختلافات گسترده خود با رونین بار، رئیس سرویس امنیت داخلی رژیم صهیونیستی (شاباک) خبر داد و ضمن انتقاد از عملکرد وی، حمایت خود را از حق نخست‌وزیر برای انتخاب رئیس جدید برای این نهاد امنیتی اعلام کرد.



دومین ناو هواپیمابر رسید

ارتش آمریکا اعلام کرد که دومین ناو هواپیمابر این کشور به خاورمیانه رسید. فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد که ناو هواپیمابر «یواس اس کارل وینسون» به خاورمیانه رسیده و به همراه ناو هواپیمابر «یواس اس هری اس. ترومن» مشغول فعالیت است. ناو وینسون به هواپیماهای رادارگریز اف-۳۵ مسلح بوده و سنتکام ویدئوهایی از هر دو ناو منتشر کرد. وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) هفته گذشته گفت که قصد دارد شمار ناوهای هواپیمابر خود در خاورمیانه را افزایش دهد. این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که آمریکا در هفته‌های اخیر حملات گسترده‌ای به یمن انجام داده است. یک مقام نظامی آمریکا روز چهارشنبه به خبرگزاری فرانسه گفت که آمریکا از ۱۵ مارس (۲۵ اسفند ۱۴۰۳) که حمله به یمن را آغاز کرده، بیش از یکصد هدف را مورد اصابت قرار داده است. تأسیسات فرماندهی و کنترل، کارگاه‌های تولید سلاح و زاغه‌های مهمات از جمله مراکز است که هدف حمله آمریکا قرار گرفته‌اند.



جنگ تعرفه‌ای برنده ندارد

رئیس جمهور چین در دیدار با «پدرو سانچز» نخست‌وزیر اسپانیا با کنایه به همتای آمریکایی خود گفت که حرکت برخلاف مسیر جهانی، به معنای منزوی کردن خود است و هیچ برنده‌ای در جنگ تعرفه‌ای وجود ندارد. به نوشته خبرگزاری «اسپوتنیک»، وی در این باره توضیح داد: «طی ۷۰ سال گذشته، چین همیشه در توسعه خود به قدرت، مبارزه مداوم و تلاش سخت خود متکی بوده است.» رئیس جمهور چین اظهار داشت: «چین هرگز به ترحم کشوری تکیه نکرده و مطمئناً از فشارهای نامعقول هم هراسی نداشته است.» شی در ادامه تصریح کرد: «چین و اتحادیه اروپا باید تعهدات بین‌المللی خود را انجام دهند، روند جهانی شدن اقتصاد را مشترکاً حفظ کرده و از محیط تجاری بین‌المللی محافظت کنند.» طبق این گزارش، وی همچنین افزود که لازم است چین و اتحادیه اروپا به‌طور مشترک با قدری یکجانبه آمریکا مخالفت کنند تا هم از حقوق و منافع مشروع خود و هم از عدالت جهانی و نظم بین‌المللی محافظت کنند.

مذاکرات و طولانی شدن زمان توافق می‌تواند سبب غلبه دیدگاه جنگ طلبان در دولت ترامپ شود. مهم‌تر اینکه تحولات منطقه پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و برداشت از موقعیت منطقه‌ای ایران ممکن است ترامپ را بری انجام اقدام نظامی علیه ایران تحریک کند. تا زمانی که امکان حمله به تأسیسات هسته‌ای و نظامی ایران به عنوان یک انتخاب ممکن در افق دید ترامپ پدیدار باشد، می‌توان امکان عدم توافق را متصور بود.

۴ **سطح و گستره خواسته‌های ترامپ برای انجام توافق:** هرگونه توافق احتمالی با ایران به سطح و گستره خواسته‌های ترامپ بستگی دارد. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران تنها حاضر به مذاکره بر سر برنامه هسته‌ای در چارچوبی مشخص است. رهبران ایران همچنان بر این باورند که برنامه موشکی ایران محل مذاکره نیست و ایران در این عرصه محدودیتی را نمی‌پذیرد. گرچه هنوز در خواسته‌های دولت ترامپ برای انجام توافق به روشنی و دقت اعلام نشده‌اند اما می‌توان دریافت که آمریکا در پی دستیابی به یک توافق جامع است که افزون بر برنامه هسته‌ای، برنامه موشکی و سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را نیز شامل می‌شود. به نظر می‌رسد، شکاف در خواسته‌های دو طرف بسیار زیاد است. در حالی که ایران در پی نسخه به روز شده توافقنامه دوران اوباما است که ذخایر مواد هسته‌ای را محدود می‌کرد؛ دولت ترامپ خواستار از بین بردن زیرساخت گسترده غنی‌سازی سوخت هسته‌ای، برنامه موشکی و حمایت طولانی‌مدت تهران از حماس، حزب‌الله و سایر نیروهای نیابتی در منطقه است. مایکل والتز، مشاور امنیت ملی، بر آن است که توافق جدید با ایران باید تمامی موضوعات محل اختلاف را شامل شود. تأسیسات هسته‌ای ایران باید به‌طور کامل بر چیده شود. وی در ماه مارس در برنامه "Face the Nation" شبکه سی‌بی‌اس مدعی شده بود: «ایران باید برنامه خود را به گونه‌ای رها کند که همه دنیا شاهد آن باشند. والتز از «برچیده شدن کامل»* صحبت کرده و خواستار یک ایران بدون موشک، بدون نیروهای نیابتی و بدون مسیری برای رسیدن به بمب شده بود. تحولات اخیر برخی مقامات و تحلیل‌گران آمریکایی را بدین نتیجه‌گیری رهنمون کرده است که اکنون امکان دستیابی به یک توافق جامع با ایران در تمامی موضوعات محل اختلاف وجود دارد و دولت ترامپ باید از این فرصت بهره‌گیرد. چنین برداشتی به تحمیل خواسته‌های حداکثری علیه ایران منتهی خواهد شد. ناگفته نماند که چنین امکانی، احتمال دستیابی به توافق را تضعیف خواهد کرد.

۵ **کارشکنی‌های بنیامین نتانیاهو:** نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اصلی‌ترین مخالف هرگونه توافقی با ایران است. وی خواستار انهدام کامل برنامه هسته‌ای و هرگونه توانمندی‌های نظامی است که ممکن است علیه این رژیم استفاده شود. بر این اساس، نتانیاهو نه تنها برنامه هسته‌ای، بلکه توانمندی‌های موشکی و حمایت ایران از گروه‌های مقاومت را نیز تهدیدی وجودی علیه رژیم خود می‌داند و خواستار از بین بردن تمامی آن‌هاست. پیروزی‌های نظامی در غزه، لبنان و سوریه انگیزه‌های نتانیاهو برای اقدام نظامی گسترده علیه ایران را تقویت کرده است. گرچه وی تاکنون به صراحت با ایده ترامپ برای مذاکره و توافق با ایران مخالفت نکرده است اما بی تردید تمامی امکانات موجود برای به شکست کشاندن مذاکرات آمریکا و ایران را به کار خواهد گرفت. تحریک ترامپ و ترسیم پیروزی نظامی احتمالی در صورت حمله نظامی به ایران می‌تواند ادامه مذاکرات را با چالش جدی مواجه کند.

پی‌نوشت:
*full dismantlement

جریان است و بنابراین وضعیت این گروه یمنی به صورت اتوماتیک به یکی از اجزای اصلی مذاکرات ایران و آمریکا تبدیل می‌شود. ایران در دو سال گذشته آسیب‌های زیادی متحمل شده است. در داخل نیز وضعیت اقتصادی و سیاسی ایران چندان مناسب نیست. ضمن اینکه این کشور در آینده‌ای نزدیک با یک روند گذار قدرت در رأس مواجه خواهد بود. کاهش تحریم‌ها می‌تواند فرصتی برای تنفس اقتصادی به ایران بدهد و نارضایتی‌های عمومی را اندکی کاهش دهد. اما مشکل اینجاست که هرگونه سازش با واشنگتن خطر بروز شکاف‌های عمیق‌تر در نخبگان حاکم ایران، انشعاب در میان افسران نظامی، روحانیون و سیاستمداران را در پی خواهد داشت.

در این خصوص خطرات برای ایالات متحده حتی بیشتر است. هرگونه توافقی که نظام ایران را تثبیت کند ممکن است شتاب منطقه‌ای این کشور را نیز احیا کند و این سناریویی است که برای اسرائیل، ترکیه و عربستان سعودی قابل قبول نیست. هر سه، از ایران احیاء شده هراس دارند و نسبت به هر توافقی که نتواند اهداف بلندمدت ایران را مهار کند، محتاط هستند. آزمون واقعی برای واشنگتن این است که آیا می‌تواند توافقی را تضمین کند که نه تنها برنامه هسته‌ای ایران را محدود کند، بلکه رفتار ایران را نیز در سراسر منطقه تعدیل کند. بنابراین در خصوص ایران بعید است توافقی صورت بگیرد؛ مگر اینکه ایالات متحده بپذیرد که قرار است یک یا چند شریک منطقه‌ای خود را از دست بدهد. در نهایت، هر یک از چهار قدرت - اسرائیل، ترکیه، عربستان سعودی و ایران - به دنبال حوزه نفوذ هستند. این اهداف استراتژیک ذاتاً در تضاد هستند و به بالانس‌یابی بین این چهار قدرت، در بهترین حالت بالانسی شکننده خواهد بود.

رهبران ایران همچنان بر این باورند که برنامه موشکی ایران محل مذاکره نیست و ایران در این عرصه محدودیتی را نمی‌پذیرد. گرچه هنوز در خواسته‌های دولت ترامپ برای انجام توافق به روشنی و دقت اعلام نشده‌اند اما می‌توان دریافت که آمریکا در پی دستیابی به یک توافق جامع است که افزون بر برنامه هسته‌ای، سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را نیز شامل می‌شود. به نظر می‌رسد، شکاف در خواسته‌های دو طرف بسیار زیاد است. در حالی که ایران در پی نسخه به روز شده توافقنامه دوران اوباما است که ذخایر مواد هسته‌ای را محدود می‌کرد؛ دولت ترامپ خواستار از بین بردن زیرساخت گسترده غنی‌سازی سوخت هسته‌ای، برنامه موشکی و حمایت طولانی‌مدت تهران از حماس، حزب‌الله و سایر نیروهای نیابتی در منطقه است.



ابتکار عمان

ایران و آمریکا را دشوار می‌سازند؟

ایران برای توافق را تضعیف می‌کند. **۳** **اختلاف نظر در دولت ترامپ:** عامل دیگری که می‌تواند دستیابی به توافق را دشوار سازد، اختلاف نظر اعضای دولت ترامپ بر سر چگونگی برخورد با ایران است. از تأملی در اظهارات و موضع‌گیری‌های مقامات دولت ترامپ می‌توان دودسته‌ای دیدگاه‌ها را یکدیگر متمایز کرد: در حالی که ترامپ به همراه جی. دی ونس و استیو ویتکاف همچنان با حمایت از مذاکرات، احتمال حصول توافق را ممکن و ارجح می‌دانند، مایکل والتز و مارکو روبریو شانس دستیابی به توافق را ناچیز می‌دانند و هم‌نظر با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی از گزینه نظامی حمایت می‌کنند. گرچه به نظر می‌رسد تسلط ترامپ بر دولت و عدم توانایی روبریو والتز برای به چالش کشیدن نظرات رئیس‌جمهور می‌تواند مسیر تداوم مذاکرات و حصول توافق را هموار کند اما در مقابل تأخیر در

احیای برجام، در خواست تضمین‌هایی معتبر بود که دولت‌های بعدی در آمریکا باریگر از توافق انجام‌شده خارج نشوند. با بازگشت ترامپ به کاخ سفید درخواست ایران برای دریافت چنین تضمین‌هایی اهمیت و ضرورت بیشتری خواهد یافت. خروج ترامپ از برجام در سال ۲۰۱۸ و اعمال سیاست فشار حداکثری و در ادامه تهدید نظامی و ترور سردار سلیمانی، سبب شده تا ایران کاملاً به دولت ترامپ بی‌اعتماد شود. مهم‌تر اینکه برجام در سال ۲۰۱۵ نتوانست تأیید کننده آمریکا را به دست آورد و به یک معاهده رسمی بین دو کشور تبدیل شود؛ با وجود این، حتی اگر توافق هسته‌ای احتمالی با ترامپ برخلاف برجام در کنگره تصویب شود همچنان نمی‌توان احتمال عدم خروج رئیس‌جمهور بعدی آمریکا از آن را تضمین کرد. این عدم اطمینان به آینده، انگیزه جمهوری اسلامی

را ارتقا داده، به‌ویژه با برگزاری مذاکرات آمریکا و روسیه در خاک عربستان. دولت ترامپ، عربستان سعودی را رهبر واقعی جهان عرب می‌داند و می‌خواهد عربستان ثبات منطقه‌ای به‌ویژه در مورد فلسطین را رهبری کند. اما ریاض به لحاظ تاریخی از دخالت عمیق در این عرصه اجتناب کرده است. تغییر مسیر، عربستان سعودی را وارد فضایی می‌کند که با آن آشنا نیست و در چنین فضایی از عربستان خواسته می‌شود که با اسرائیل برای مدیریت مناقشه فلسطین هماهنگی داشته باشد. آن هم بدون در نظر گرفتن اقدام گسترده و معنادار برای بازسازی غزه. برای اینکه واشنگتن دخالت مستقیم خود را در امنیت منطقه کاهش دهد، باید به‌طور هم‌زمان بین عربستان سعودی و ترکیه و بین عربستان سعودی و اسرائیل تعادل برقرار کند. با این حال، چالش اصلی، افزایش دادن ظرفیت و توانایی عربستان سعودی برای رهبری خواهد بود. مدت زیادی طول می‌کشد تا ریاض بتواند رهبری امور جهان عرب و خاورمیانه بزرگ را به عهده بگیرد.

ایران

در میان این شبکه پیچیده مذاکرات، دولت ترامپ همچنین امیدوار است به توافقی دست یابد که راه ایران را به سمت دستیابی به سلاح هسته‌ای مسدود کند. این موضوع فراتر از غنی‌سازی است و شامل برنامه موشک‌های بالستیک ایران و شبکه نیروهای مورد حمایت ایران در منطقه نیز می‌شود. به‌رغم شکست‌های اخیر، تهران همچنان از طریق حوثی‌ها نفوذ زیادی در عراق و یمن دارد. حملات هوایی ایالات متحده برای خنثی کردن تهدید حوثی‌ها علیه کشتیرانی دریایی از طریق شریان راهبردی دریای سرخ همچنان در

همچنین پیشرفت سریعی در جهت خنثی کردن جدایی طلبی کردها در داخل مرزهای خود داشته است که یکی دیگر از تهدیدهای مهم برای استراتژی جنوب آن است. حالا شورشیان گرد در ترکیه متقاعد شده‌اند روند خلع سلاح و بحث در مورد شرایط صلح را آغاز کنند. ترکیه اکنون به دنبال جلب حمایت بلندمدت ایالات متحده برای ایجاد ثبات در سوریه و بازسازی مجدد ارتش این کشور است. این روندی دست‌وپاگیر است که احتمالاً چندین دهه طول خواهد کشید. ترکیه همچنین می‌خواهد مانع تلاش‌های ایران برای تضعیف برنامه‌های آنکارا شود. به‌ویژه در شرایطی که عراق به عنوان همسایه ترکیه احتمالاً تحت نفوذ قوی ایران باقی می‌ماند. ترامپ اشاره کرده است که واشنگتن آنکارا را به عنوان یک متحد مهم در مدیریت سوریه و کنترل ایران به حساب می‌آورد. با این حال، نگرانی‌های ترکیه فراتر از ایران است. منطقه حائل اسرائیل در جنوب سوریه و ادامه عملیات نظامی اسرائیلی‌ها در این کشور مشکل بزرگی برای ترک‌ها است. هیچ‌یک از طرفین خواهان درگیری نیستند، اما منافع دو طرف با هم در تضاد است. با توجه به وخامت روابط ترکیه و اسرائیل در ۱۵ سال گذشته، آنکارا در خواست میانجیگری آمریکا را کرده است که احتمالاً باعث پیشنه‌های ترامپ به نتانیاهو برای مذاکره با ترکیه شده است.

عربستان سعودی

نفوذ فزاینده ترکیه در سوریه، عربستان سعودی را نیز نگران کرده است. از نظر ریاض، چشم‌انداز اسلام‌گرایی سنی مورد حمایت ترکیه که جایگزین اسلام‌گرایی شیعه مورد حمایت ایران می‌شود، چندان تفاوتی با هم ندارند. اگر چه عربستان سعودی مانند اسرائیل دسترسی نظامی به ترکیه ندارد اما دارای اهرم مالی قابل توجهی علیه ترکیه است. به‌ویژه با توجه به مشکلات اقتصادی ترکیه. آنکارا همچنین توجه دارد که واشنگتن چگونه وجهه دیپلماتیک ریاض